

مبانی فقهی سیاست جنایی در خصوص گستره مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زوجه بانگاهی به منابع دینی

پری دوان علامه زاده^۱
محمد مهدی کریمی نیا^۲

چکیده

مسئله اصلی پژوهش، موضوع خشونت خانگی علیه زوجه، به عنوان یکی از چالش های بنیادین خانواده است که در مواردی، مداخله حکومت اسلامی را برای حفظ خانواده و عدالت الزامی می سازد. این پژوهش به بررسی مبانی فقهی سیاست جنایی اسلام در این زمینه پرداخته و به دنبال تبیین گستره و شرایط این مداخله بر اساس آموزه های اسلامی است. روش تحقیق این مطالعه، توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، تحلیل متون فقهی و حقوقی، و بررسی داده های قرآن، احادیث و آرای فقها انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که در فقه امامیه، مقابله با انواع خشونت های جسمی، عاطفی، مالی و جنسی، از طریق نصیحت، آموزش، اصلاح و مجازات های تعزیری، ضروری دانسته شده است. همچنین در موارد شدید و عدم کارآمدی اقدامات پیشگیرانه، طلاق قضایی، راه حل نهایی معرفی گردیده است. قواعدی چون «ولایت حاکم بر ممتنع» و «التعزیر بما یراه الحاکم» چهارچوب مداخله حکومت را مشخص می سازند. مفاهیمی همچون شقاق، ایلاء، نشوز و لعان نیز ضرورت مداخله برای حفظ عدالت را تأکید می کنند. در نتیجه، مداخله حکومت در مقابله با خشونت، ابزاری است که علاوه بر رفع ظلم از زوجه، انسجام خانواده و عدالت اجتماعی را تأمین می کند. این مداخلات باید با توجه به شرایط زمانه و در چهارچوب آموزه های اسلامی به گونه ای تنظیم شوند که ضمن حفظ حقوق افراد، نهاد خانواده را نیز تقویت کنند.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، سیاست جنایی اسلام، حقوق زوجه، مداخله حکومتی، حمایت از حقوق زنان، شقاق، نشوز.

۱. طلبه سطح چهار حوزه علمیه خاوران، رشته فقه، گرایش خانواده، جامعه النور شیراز، شیراز، ایران؛

mohamad.akhgar@gmail.com

۲. سطح چهار (دکتری) فقه و اصول و دکتری رشته قرآن و علوم، گرایش قرآن و حقوق، از جامعه المصطفی العالمیه و استادیار

و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛

kariminia@yahoo.com یا kariminia@quran.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

۱. مقدمه

بیان مسئله: خشونت خانگی علیه زوجه، یکی از چالش‌های پیچیده‌ای است که تأثیرات مخربی بر ساختار خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی دارد. در چهارچوب فقه اسلامی، خانواده محیطی مقدس و خصوصی است که در آن، طرفین موظف به رعایت حقوق و وظایف شرعی و عرفی خود هستند (حسینی، ۱۳۷۶، ص ۸۳).

در چهارچوب فقه اسلامی، خانواده به عنوان حریمی خصوصی تعریف می‌شود که زوجین باید در آن با همدلی و همکاری، حقوق و وظایف شرعی و عرفی خود را رعایت کنند. بااین حال در مواردی، زوج با اعمال خشونت‌های عاطفی، روانی، جسمی، مالی یا جنسی، این حریم خصوصی را به عرصه ظلم و تعدی تبدیل می‌کند. این مسئله، علاوه بر پیامدهای فردی، آسیب‌های جدی بر بنیان خانواده و در نتیجه بر جامعه وارد می‌سازد (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷).

موضوع مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زوجه، در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. بررسی این مداخله در مواردی همچون شقاق،ظهار، ایلاء، نشوز، قذف و معطل گذاشتن زوجه، ضروری به نظر می‌رسد (جاوید و مهاجری، ۱۳۹۷، ص ۴۳). شارع مقدس در فقه اسلامی، باتوجه به اهمیت حفظ نهاد خانواده، احکامی را در راستای مداخله حاکم در مواجهه با انواع خشونت‌های خانگی علیه زوجه وضع کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۸۷).

شقاق که در واقع سرپیچی زوجین از وظایف زوجیت است، معمولاً با انواع خشونت‌ها همراه است. خداوند برای رفع شقاق، در آیه ۳۵ سوره نساء احکامی را بیان کرده است. این عنوان در فقه حکومتی خانواده، موضوع احکامی مانند مداخله حاکم در رفع اختلافات زوجین و مدیریت نهاد حکمیت با هدف اصلاح روابط آنان و تحکیم خانواده است. در کتب روایی نیز روایات شقاق جمع‌آوری شده است که از میان آن روایات، در بحث از مداخله حکومت، فقها به روایتی از امام علی علیه السلام استناد کرده‌اند که دستور تشکیل نهاد حکمیت را به اقربای زوجین صادر نموده است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۷۷).

مرحوم مغنیه درباره نقش حاکم در تعیین داورها می‌گوید: حکام لایق و منصوب برای این کار هستند و غرض از ارسال حکمین، اصلاح روابط زوجین، محافظت بر نهاد خانواده و خوف از ضایع شدن اطفال است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۱۸). هدف از ارسال حکمین از جانب حاکم، ایجاد موافقت

و اصلاح روابط زوجین است. ارسال حکمین به منظور تعیین عامل اختلاف و اصلاح روابط زوجین می باشد (کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۸۳).

اکثر فقها تشکیل نهاد حکمیت را از مناصب و وظایف حکومت می دانند. شیخ طوسی در این باره می گوید: حاکم، زوجین را در تحت اشراف فرد مورد اعتمادی اسکان می دهد تا عامل اختلاف را شناسایی کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۳۹). شیخ طوسی در اینجا نقش حاکم را از بعد نظارتی مد نظر قرار داده است. برخی، مداخله حاکم را برای رفع منازعات خانوادگی، امری لازم دانسته (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۶۷) و برخی نیز از مناصب حاکم را امر کردن به معروف و مدیریت امور حسبیه ذکر کرده اند که شامل رفع منازعات زوجین هم می شود (لنکرانی، ۱۴۲۱، ص ۴۹۶).

پژوهشگران، رفع خصومت و تشکیل نهاد حکمیت را از وظایف حکومت می دانند (پژوهنده، ۱۳۸۹، ص ۷۶). بعضی نیز ایجاد امنیت را از وظایف حاکمان دانسته اند که لازمه آن، وجود قوه مجریه مسلط و دستگاه قضایی است تا بتواند زوجین را وادار به اجرای حکم داورها نماید (قادری، ۱۳۹۸، ص ۱۷۶-۱۷۸). نهاد حکمیت در صورتی می تواند نقش آفرینی کند که ضمانت اجرایی داشته باشد و لذا در صورتی که برخی از مصادیق شقاق، منجر به ارتکاب حرام آشکار و مخل نظم اجتماعی باشد، از مصادیق امور حسبیه است که داورها با همکاری حکومت، از اقدامات بازدارنده تعزیری برای زوجین متمرّد و ممتنع استفاده کنند (پور عبدالله و ملک افضلی، ۱۴۰۱، ص ۶۳).

پرسش اساسی این است که آیا حکومت اسلامی در چهارچوب آموزه های دینی، مجاز است در چنین مواردی مداخله کند؟ و اگر پاسخ مثبت است، حدود و گستره این مداخله چیست؟ در متون فقهی امامیه، مسائل مرتبط با خشونت خانگی، مانند شقاق، ایلاء، ظهار، نشوز، قذف و لعان، مورد توجه قرار گرفته اند و شارع مقدس برای هریک، راهکارهای مشخصی ارائه کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۰۷). تحلیل این موارد نشان می دهد که قواعدی نظیر «ولایت حاکم بر ممتنع» و «التعزیر بما یرأه الحاکم» می توانند به عنوان ابزارهایی کارآمد برای مداخله حکومت در راستای حفظ حقوق زوج و تحقق عدالت اجتماعی به کار گرفته شوند (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۳۰۴).

اهمیت موضوع: اهمیت این موضوع از چند جنبه مختلف، قابل بررسی است. نخست، از جنبه حقوقی و شرعی، اسلام تأکید زیادی بر حفظ نهاد خانواده و رعایت حقوق زوجین دارد. خانواده به عنوان بنیان اصلی جامعه اسلامی، نقش مهمی در تربیت نسل های آینده و انتقال

ارزش‌های دینی و اخلاقی دارد (جاوید و مهاجری، ۱۳۹۷، ص ۱۹). بنابراین، حفظ سلامت و استحکام خانواده، در دستور کار شریعت اسلامی قرار دارد. احکام و دستورات اسلامی در این زمینه به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که تمامی اعضای خانواده در امنیت و آرامش زندگی کنند و هیچ‌گونه ظلم و ستمی در درون خانواده رخ ندهد (حسینی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۸۵).

دوم، از جنبه اجتماعی و روانی، خشونت خانگی علیه زوج، تأثیرات مخرب زیادی بر روی سلامت روانی و جسمانی زنان دارد. زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، ممکن است دچار افسردگی، اضطراب، کاهش اعتماد به نفس و مشکلات جسمی شوند (سالاری فر، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۸). این مسئله همچنین بر روی کودکان خانواده نیز تأثیرات منفی دارد و ممکن است باعث بروز مشکلات رفتاری و روانی در آنان شود (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۸۶). بنابراین، جلوگیری از خشونت خانگی و حمایت از زنان قربانی خشونت، به حفظ سلامت روانی و جسمانی اعضای خانواده و جامعه کمک می‌کند (Tolman&Diamond, 2001, p25).

سوم، از جنبه قانونی و اجرایی، بررسی و تبیین مبانی فقهی سیاست جنایی اسلام در خصوص خشونت خانگی می‌تواند به تدوین قوانین و سیاست‌های مناسب برای مقابله با این معضل کمک کند. قوانین و سیاست‌هایی که مبتنی بر احکام و دستورات اسلامی باشند، می‌توانند کارآمدتر و مؤثرتر عمل کنند و حمایت‌های قانونی بیشتری از زنان قربانی خشونت فراهم آورند (علاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴). درنهایت، اهمیت این پژوهش در آن است که با استناد به مبانی فقهی و احکام شارع، نقش حکومت اسلامی در پیشگیری از خشونت خانگی، حمایت از حقوق زوج و حفظ عدالت در نهاد خانواده را تبیین کند و راهکارهایی عملی برای مقابله با این پدیده ارائه دهد (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۸۷). این پژوهش می‌تواند به عنوان مرجعی معتبر برای سیاست‌گذاران و قانونگذاران در زمینه تدوین قوانین و سیاست‌های حمایتی در راستای مقابله با خشونت خانگی مورد استفاده قرار گیرد (Tolman&Diamond, 2001, p27).

اهداف تحقیق: پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی فقهی سیاست جنایی اسلام در خصوص گستره مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زوج تدوین شده است. این تحقیق تلاش می‌کند با استناد به آموزه‌های قرآنی، روایی و آرای فقهای امامیه، چهارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری جنایی اسلامی در این حوزه ارائه دهد. اهداف اصلی این تحقیق عبارتند از:

۱. تبیین مبانی فقهی و شرعی مداخله حکومت در خشونت خانگی: ارائه توضیحی جامع از قواعد و اصول فقهی که مشروعیت مداخله حکومت اسلامی در مسائل خانوادگی، به ویژه خشونت علیه زوجه را توجیه می‌کند.

۲. شناسایی و تحلیل مصادیق مداخله حکومت: بررسی مواردی مانند شقاق، ایلاء،ظهار، نشوز، قذف، لعان و سایر مصادیق فقهی مرتبط با خشونت خانگی که در آنها مداخله حاکم ضروری دانسته شده است.

۳. ارائه الگوی سیاست جنایی اسلامی: طراحی چهارچوبی عملی برای مداخلات پیشگیرانه و حمایتی حکومت در مواجهه با خشونت خانگی، بر اساس اصول فقهی امامیه و متناسب با نیازهای جوامع معاصر.

۴. بررسی ابزارها و ظرفیت‌های قانونی در فقه امامیه: شناسایی ظرفیت‌های موجود در قواعدی نظیر «ولایت حاکم بر ممتنع» و «التعزیر بما یراه الحاکم» برای مقابله با خشونت خانگی و حمایت از حقوق زوجه.

سؤالات تحقیق

۱. سؤال اصلی

چه مبانی فقهی‌ای در سیاست جنایی اسلام برای مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زوجه وجود دارد؟

۲. سؤالات فرعی

- موارد و مصادیق فقهی مداخله حکومت در مواجهه با خشونت خانگی علیه زوجه چیست؟
- گستره و محدودیت‌های مداخله حکومت در مسائل خانوادگی، به ویژه خشونت علیه زوجه، در فقه امامیه چگونه تعریف می‌شود؟
- قواعد فقهی نظیر «ولایت حاکم بر ممتنع» و «التعزیر بما یراه الحاکم» چگونه می‌توانند به عنوان مبانی مداخله حاکمیت اسلامی در رفع خشونت خانگی به کار گرفته شوند؟
- سیاست جنایی اسلام در مواجهه با خشونت خانگی، چه الگوها و ابزارهایی برای حفظ حقوق زوجه و تحکیم نظام خانواده ارائه می‌دهد؟
- به عنوان رویکرد پژوهش، برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی

استفاده خواهد شد. در این روش، با مطالعه متون فقهی، روایات و آثار فقها، به تحلیل و تفسیر آموزه‌های اسلامی در مورد خشونت خانگی پرداخته می‌شود. همچنین، از روش مقایسه‌ای برای بررسی دیدگاه‌های مختلف فقها استفاده خواهد شد.

از نظر **محدوده زمانی و مکانی**، این پژوهش بر روی فقه اسلامی شیعه دوازده امامی متمرکز است. از نظر **جدید بودن پژوهش** نیز این اثر با بررسی جامع و عمیق مبانی فقهی مداخله حکومت در خشونت خانگی، به دنبال ارائه دیدگاهی نو و جامع در این زمینه است. همچنین با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، این پژوهش به بررسی تطبیقی آموزه‌های فقهی با شرایط کنونی می‌پردازد. با انجام این پژوهش، انتظار می‌رود به درک بهتری از نقش و مسئولیت حکومت اسلامی در مقابله با خشونت خانگی دست یافته و راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت زنان در جوامع اسلامی ارائه شود.

این پژوهش با ارائه پاسخی جامع به سؤالات فوق و دستیابی به اهداف تعیین شده، تلاشی در جهت ارتقای آگاهی فقهی و حقوقی در زمینه حمایت از زوجه و مقابله با خشونت خانگی است. همچنین این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران اسلامی در طراحی راهکارهای مؤثر برای کاهش آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی یاری رساند.

نتایج این پژوهش می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی برای مقابله با خشونت خانگی در چهارچوب احکام اسلامی منجر شود که برای قانونگذاران و مجریان قانون راهگشا خواهد بود. همچنین این تحقیق می‌تواند به تقویت و تکمیل نظام حقوقی کشورهای اسلامی در زمینه حمایت از حقوق زنان و مقابله با خشونت خانگی کمک کند.

درنهایت، این پژوهش به دنبال ارائه الگویی است که ضمن حفظ حریم خصوصی خانواده، از حقوق زوجه در برابر خشونت حمایت کند و نقش حکومت را در این زمینه به روشنی تبیین نماید. این امر می‌تواند به ایجاد تعادل میان احترام به نهاد خانواده و ضرورت مداخله حکومت در موارد ضروری کمک کند.

۲. پیشینه پژوهش

خشونت خانگی علیه زوجه، به عنوان یکی از چالش‌های اساسی نهاد خانواده، توجه بسیاری از پژوهشگران در حوزه فقه، حقوق و علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. این بخش، با

هدف بررسی تحقیقات پیشین در این حوزه، به مرور ادبیات مرتبط با موضوع می‌پردازد و رویکردهای گوناگون پژوهشگران در زمینه مداخله حکومت در خشونت خانگی را تحلیل می‌کند.

۲-۱. پژوهش‌های فقهی و حقوقی

الف) مداخله حکومت در نهاد خانواده

– علاسوند (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مداخله حکومت اسلامی درباره حقوق خانواده؛ ظرفیت‌ها و ضرورت‌گاه‌ها»، به ضرورت و مشروعیت دخالت حکومت در مسائل خانوادگی پرداخته و به نقش قواعد فقهی در این زمینه اشاره کرده است. وی مداخلات حکومتی را به دو بخش پیشگیرانه و تعزیراتی تقسیم کرده و ابزارهای قانونی متناسب با هر بخش را تحلیل نموده است.

– جاوید و مهاجری (۱۳۹۷) در پژوهش «مبانی مداخله دولت در نهاد خانواده در نظام حقوقی ایران»، نقش دولت در مقابله با خشونت خانگی و تنظیم روابط زوجین را بررسی کرده‌اند. این مطالعه، ضمن اشاره به اصول اسلامی و حقوقی، مداخله دولت را در راستای تحقق عدالت و حفظ نظام خانواده تحلیل می‌کند.

ب) فقه امامیه و خشونت خانگی

– امیدی نیاول (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی حقوقی حمایت از خشونت خانگی و راهکارهای جلوگیری از آن از منظر حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی»، به قواعد فقه امامیه نظیر ولایت حاکم و تعزیر در مواجهه با خشونت خانگی پرداخته است. او تأکید می‌کند که این قواعد می‌توانند مبنای سیاست‌گذاری حکومتی در حفظ حقوق زوج باشند.

– قادری (۱۳۹۸) در تحقیق «حکمیت بین زوجین در فقه اسلامی از رهگذر آیه ۳۵ سوره نساء»، نقش نهاد حکمیت و وظایف حاکم اسلامی را در مدیریت اختلافات خانوادگی بررسی کرده است. این پژوهش، نهاد حکمیت را ابزار اصلی برای کاهش تنش‌های خانوادگی معرفی می‌کند.

ج) قواعد فقهی مرتبط با خشونت خانگی

– پژوهش‌های متعددی، به قواعد فقهی مانند «ولایت حاکم بر ممتنع» و «التعزیر بما یراه الحاکم» پرداخته‌اند. محقق داماد (۱۴۰۶) این قواعد را در قالب ابزارهای مدیریتی حکومت

برای تحقق عدالت اجتماعی تحلیل کرده و نشان داده است که چگونه این قواعد می‌توانند به طور خاص در رفع خشونت خانگی کاربرد داشته باشند.

- سبزواری (۱۴۱۳) در مذهب الاحکام تأکید کرده است که حاکم اسلامی باید از ابزارهای قانونی و شرعی برای جلوگیری از ظلم و حمایت از مظلوم در محیط خانواده استفاده کند.

۲-۲. پژوهش‌های اجتماعی و بین‌رشته‌ای

الف) ابعاد اجتماعی خشونت خانگی

- سالاری‌فر (۱۳۸۹) در کتاب خشونت خانگی علیه زنان، به بررسی ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی خشونت خانگی پرداخته و نقش حاکمیت را در ارائه حمایت‌های روانی و اقتصادی به زوجه تحلیل کرده است.

- عسکری (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی سیاست جنایی قضایی ایران در زمینه زنان بزه‌دیده خشونت خانگی»، به تحلیل سیاست‌های جنایی کشور در مقابله با خشونت خانگی و مقایسه آن با نظام‌های حقوقی بین‌المللی پرداخته است.

ب) رویکردهای بین‌رشته‌ای

- مرادخانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «احکام خانواده و نشوز مرد در کتاب التفسیر مسند امام رضا (ع)»، به تحلیل تطبیقی نقش نشوز مرد در بروز خشونت خانگی پرداخته است. او بر ضرورت تدوین قوانین جدید برای مقابله با انواع خشونت‌ها تأکید کرده است.

- مظفری و حسینی (۱۴۰۰) در پژوهش «نشوز زوج و آثار آن در نظام حقوقی ایران»، خلأهای قانونی مرتبط با نشوز مرد و تأثیر آن بر حقوق زوجه را بررسی کرده و راهکارهایی برای اصلاح این قوانین ارائه داده‌اند.

۲-۳. تحقیقات تطبیقی و تحلیلی

- قیاسی (۱۳۸۵) در پژوهش «اصول سهولت و مدارا در سیاست جنایی حکومت اسلامی»، به تحلیل تطبیقی سیاست‌های جنایی اسلام و نظام‌های حقوقی معاصر پرداخته و راهکارهای جدیدی برای حمایت از حقوق زنان ارائه کرده است.

پژوهش‌های تطبیقی نشان داده‌اند که سیاست جنایی اسلام با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، توانایی ارائه راهکارهایی کارآمد برای مقابله با خشونت خانگی و حفظ نظام خانواده را دارند.

۲-۴. جمع بندی پیشینه

بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی به ابعاد مختلف خشونت خانگی و مداخله حکومت پرداخته‌اند، اما اغلب این پژوهش‌ها، به طور خاص، بر مبانی فقهی سیاست جنایی اسلام در این زمینه تمرکز نداشته‌اند. پژوهش حاضر، با تلفیق رویکردهای فقهی، حقوقی و اجتماعی، به دنبال ارائه چهارچوبی جامع و کاربردی برای مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زوجه بر اساس فقه امامیه است.

۲-۵. نوآوری‌های پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به محدودیت مطالعات قبلی، به دنبال ارائه یک تحلیل جامع و نظام‌مند از مبانی فقهی مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زنان است. نوآوری‌های این پژوهش عبارتند از:

- توجه به ابعاد مختلف مسئله: این پژوهش به طور همزمان به ابعاد فقهی، حقوقی و اجتماعی مسئله خشونت خانگی می‌پردازد.
- بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقها: با بررسی دیدگاه‌های مختلف فقها در مورد این موضوع، به دنبال ارائه یک تصویر جامع از رویکرد فقه اسلامی نسبت به خشونت خانگی هستیم.
- ارائه راهکارهای عملی: این پژوهش با ارائه راهکارهای عملی بر اساس یافته‌های پژوهشی، به دنبال کمک به بهبود وضعیت زنان در جوامع اسلامی است.

۳. روش‌شناسی پژوهشی

روش‌شناسی پژوهش حاضر، بر رویکرد توصیفی-تحلیلی استوار است و تلاش می‌کند با استفاده از منابع فقهی، قرآنی، روایی و حقوقی، چهارچوبی علمی برای بررسی مبانی فقهی سیاست جنایی اسلام در خصوص مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زوجه ارائه دهد. این بخش، به توضیح روش تحقیق، ابزارهای گردآوری داده‌ها و نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌پردازد.

۳-۱. نوع تحقیق

این پژوهش، از نوع تحقیقات بنیادی-کاربردی است. از یک سو، به دنبال توسعه دانش فقهی در زمینه مداخله حکومت در خشونت خانگی است و از سوی دیگر، تلاش می‌کند با ارائه راهکارهای عملی، زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های جنایی مبتنی بر فقه امامیه باشد.

۲-۳. روش تحقیق

روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. در مرحله توصیف، مفاهیم، اصول و قواعد فقهی مرتبط با خشونت خانگی و مداخله حکومت اسلامی، از متون قرآنی، روایات و آثار فقهی استخراج می‌شوند. سپس در مرحله تحلیل، این مفاهیم در چهارچوب سیاست جنایی اسلامی، بررسی و نقد می‌شود و کاربردهای آنها در مواجهه با خشونت خانگی تبیین می‌گردد.

۳-۳. ابزارهای گردآوری داده‌ها

الف) مطالعات کتابخانه‌ای: داده‌های موردنیاز، از طریق بررسی منابع قرآنی، روایی، کتب فقهی و آثار پژوهشی مرتبط گردآوری شده است. مهم‌ترین منابع مورد استفاده، شامل تفاسیر قرآن کریم؛ مانند المیزان فی تفسیر القرآن و تفسیر نمونه، کتب فقهی امامیه؛ مانند: جواهر الکلام و المبسوط، و پژوهش‌های حقوقی و اجتماعی در زمینه خشونت خانگی و سیاست جنایی اسلام است.

ب) بررسی مستندات فقهی و حقوقی: برای تحلیل ابعاد حقوقی موضوع، از قوانین موجود در نظام حقوقی ایران و تطبیق آنها با آموزه‌های فقه امامیه استفاده شده است. همچنین، مطالعه تطبیقی با نظام‌های حقوقی دیگر، در حد ضرورت انجام شده است.

ج) روش تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها در این پژوهش، به روش کیفی انجام شده است و پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات به دست آمده در دو مرحله پردازش شده‌اند:

یک- تحلیل مفهومی: در این مرحله، مفاهیم کلیدی مانند خشونت خانگی، ولایت حاکم، تعزیر، و سیاست جنایی اسلامی، شناسایی و تبیین شده‌اند.

دو- تحلیل تطبیقی: در این مرحله، داده‌های استخراج شده از منابع فقهی، با نیازهای اجتماعی و حقوقی معاصر، مقایسه و ارزیابی شده‌اند. هدف از این تحلیل، تطبیق اصول فقهی با مسائل نوظهور، و ارائه راهکارهای عملی برای مواجهه با خشونت خانگی است.

۴-۳. اعتبار و روایی داده‌ها

برای افزایش اعتبار پژوهش، منابع معتبر و مورد تأیید در حوزه فقه امامیه و حقوق اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از تفاسیر معتبر قرآن کریم، منابع روایی موثق، و آرای فقهای برجسته، دقت علمی پژوهش را تضمین می‌کند.

۳-۵. محدودیت‌ها و چالش‌ها

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، عدم وجود تحقیقات جامع در برخی ابعاد موضوعی، مانند تطبیق قواعد فقهی با سیاست جنایی معاصر است. با این حال تلاش شده است با تحلیل گسترده منابع موجود و ارائه استنتاج‌های منطقی، این خلأ تا حد امکان برطرف شود.

۳-۶. خروجی و کاربردها

این پژوهش می‌تواند در تدوین قوانین مرتبط با خشونت خانگی در نظام حقوقی ایران، طراحی سیاست‌های حمایتی برای زوجه، و ارائه راهکارهایی برای مداخله مؤثر حکومت اسلامی در مسائل خانوادگی، کاربرد داشته باشد. همچنین نتایج آن می‌تواند به عنوان مبنایی برای پژوهش‌های بعدی در زمینه سیاست جنایی اسلام مورد استفاده قرار گیرد.

۴. یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی فقهی سیاست جنایی اسلام در خصوص گستره مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زوجه، به یافته‌های مهمی در ابعاد مختلف فقهی و حقوقی دست یازیده است که می‌تواند به طراحی سیاست‌های جنایی اسلامی و ارائه راهکارهای عملی برای مدیریت این پدیده کمک کند.

۴-۱. گستره مداخله حاکم در مسئله ظهار

ظهار در عرف جاهلیت به مفهوم فروپاشی ابدی نظام خانواده بوده و درواقع، ابراز عدم رغبت جنسی مرد به زن است. خداوند در آیات ۱ تا ۴ سوره تحریم به این مسئله پرداخته است. شکایت زن به درگاه خداوند، نشان از آسیب‌پذیری زن از ظهار شوهر و آزرده‌گی روح و روان او دارد. لذا خداوند که سخنان باطل و ظالمانه مرد و شکایت زن را شنیده، در حمایت از زن، احکام خاصی را وضع و به صراحت جنایت و جرم بودن رفتار زوج را اعلام نموده است. جعل احکام ظهار، یکی از مصادیق بارز حمایت خداوند از ثبات خانواده و دفاع از زوجه است که ضمن باز بودن راه بازگشت مرد به کانون خانواده، مرد مجازات را متحمل می‌شود و از زن نیز حمایت لازم صورت گرفته است. در نظر شارع، ابراز عدم تمایل جنسی به زن، برای مرد، پرهزینه است.

نقش یاریگرانه پیامبر ﷺ در رفع خشونت علیه زوجه، مجازات زوج در قالب کفاره و عدم مداخله شرع در امر طلاق، نشان‌دهنده سیاست مترقی شارع در حفظ نظام خانواده است. مقدس

اردبیلی می‌گوید: حکم به پرداخت کفاره، دلیل بر ارتکاب جنایت است، پس باید او را موعظه کنید تا دوباره به ظهار برنگردد (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۸، ص ۶۱۰). حرمت ظهار و مداخله حاکم در صورت شکایت زوجه و معطل ماندن او، حبس و سخت‌گیری بر زوج در زندان و ممنوعیت آسیب رساندن به زوجه است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۸۵).

دو روایت یزید کناسی از امام باقر علیه السلام (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۲، ص ۳۳۶) و روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام (همان، ص ۳۳۷)، دلالت بر مداخله حاکم در مسئله ظهار دارد. پس اگر زوجه بر رفتار شوهر خود صبر نکرد، به حاکم شکایت می‌کند؛ چراکه از وظایف حاکم، رسیدگی به شکایات افراد آسیب‌پذیر جامعه است. مرحوم سبزواری در این باره می‌گوید: رسیدگی به این امور (شکایت زوجه در ظهار) از امور حسبه‌ای است که حاکم برای آن منصوب می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۶، ص ۲۳۰). مداخله حاکم در صورت شکایت زوجه از زوج، از مظاهر امور حسبه بوده و مداخله حاکم، امری واضح است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۳، ص ۱۶۴). شهید ثانی نیز در باره نقش حاکم در مهلت به زوج مظاهر می‌گوید: اگر زوجه به حاکم شکایت کرد، حاکم زوج را بین برگشتن و کفاره دادن و طلاق مخیر می‌کند. پس اگر زوج به هیچ‌یک اقدام نکرد، به او سه ماه فرصت برای اندیشیدن در عواقب کارش می‌دهد (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۳۵). شهید ثانی مداخله حکیمانه حاکم و ایجاد فرصت به زوج برای تصمیم مناسب را مورد توجه قرار داده است.

چنان‌که از احکام ظهار ملاحظه می‌شود سیاست شارع، بر رعایت حقوق و آزادی‌های زوجین، تنظیم عادلانه روابط، رفع ظلم و خشونت از فرد آسیب‌دیده و در صورت عجز زوج از پرداخت کفاره، کمک یاریگرانه و عاطفی حاکم برای جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده مبتنی است.

۲-۴. گستره مداخله حاکم در مسئله ایلاء

در فقه اسلامی، در روابط جنسی زوجین، احکام خاصی وضع شده است. یکی از موارد، ترك روابط جنسی از طرف زوج به قصد اضرار و آزار زوجه، مسئله ایلاء است که شارع مقدس بر آن احکام خاصی را مترتب کرده است. خداوند مسئله ایلاء را در آیه ۲۲۶ سوره بقره ذکر نموده است. در باب ایلاء روایاتی وجود دارد که مستقیماً به مداخله سازنده حاکم در رفع ایلاء و حفظ خانواده از فروپاشی تصریح می‌نماید؛ از جمله: روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام^۱، روایت کنانی از امام

۱. «عَنْ أَبِي بصيرٍ يَغْنِي المُرَادِيَّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِيلَاءِ مَا هُوَ - فَقَالَ هُوَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِمَرْأَتِهِ - وَاللَّهِ لَا أَجَامِعُكَ كَذَا وَكَذَا - وَيَقُولُ وَاللَّهِ لَا غِيْظَنَّاكَ - فَيَتَرَبَّصُ بِهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ - ثُمَّ يُؤَخِّدُ فَيُوقِفُ بَعْدَ الْأَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ - فَإِنْ قَاءَ وَهُوَ أَنْ يُصَالِحَ أَهْلَهُ - فَإِنَّ اللَّهَ

صادق علیه السلام^۱، روایت مضمهره سماعه، روایت حماد بن عثمان و روایت غیاث بن ابراهیم (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۲، ص ۳۴۹-۳۵۴) که امام صادق علیه السلام دو روایت آخر را از امام علی علیه السلام بیان کرده‌اند.

در برخی از تفاسیر، به تبیین نقش حاکم در پایان دادن به تهدید، خشونت کلامی و رفتاری زوج و خروج زوج از حالت بلامتکلیفی در مسئله ایلاء پرداخته شده است. برخی از مفسران، قسم بر ترک سخن گفتن با زوج را که نوعی اضرار بر اوست، از مصادیق ایلاء معرفی کرده‌اند؛ زیرا بر روح و روان زوج آسیب زیادی وارد می‌کند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۲). درواقع، شیخ طوسی قائل به وسعت مفهوم ایلاء شده است. اگر از ایلاء مرد، چهار ماه بگذرد و مرد به برقراری روابط اقدام نکند و زوج صبر نکند و به حاکم شکایت نماید، حاکم او را بین رجوع و طلاق مخیر می‌کند و اگر باز هم امتناع کرد، او را حبس می‌کند و در مضیقه قرار می‌دهد تا یکی از این دو کار را انتخاب کند (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۸، ص ۶۱۲). قسم بر ترک روابط زناشویی، یک قسم معمولی نیست. این قسم، مربوط به ترک روابط با زوج است و لذا حرمت تکلیفی دارد و مبعوض و منهی است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۸۶-۸۸).

فقها در متون فقهی با استناد به قرآن و روایات، مداخله حاکم را مداخله مصلحانه برای بازگشت مرد به خانواده و حمایت و احقاق حقوق زوج توسط حاکم ذکر کرده‌اند. ابن‌ادریس می‌گوید: بعد از اینکه حاکم، زوج را مخیر کرد و او تصمیمی نگرفت، حاکم به او سه ماه فرصت می‌دهد و چنانچه باز هم اقدامی نکرد، بر او در تصرفات و خوردن و آشامیدن سخت می‌گیرد (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۲۰). ابن‌ادریس به دخالت حاکم با استفاده از مجازات تعزیری، مثل ممنوعیت تصرفات که درواقع، نوعی ضمانت اجرایی به شمار می‌رود، تصریح کرده است. سبزواری به سه روایت استناد می‌کند که در آنها به وضوح، نقش حاکم در ساماندهی امور زوجین در مسئله ایلاء و خشونت رفتاری، کلامی و تهدید او دیده می‌شود. او در این زمینه می‌گوید: مداخله حاکم در مسئله ایلاء، از وظایف اوست تا بدین وسیله نظام اجتماعی مسلمین، محفوظ بماند و بین مردم اختلاف واقع نشود (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۶، ص ۲۳۹). برخی از فقها معتقدند که هرگاه زوج با قصد اضرار به زوج،

غَفُورٌ رَحِيمٌ وَإِنْ لَمْ يَنْفِقْ عَلَيْهَا شَيْءٌ فَلْيَسْ بِشَيْءٍ - وَلَا يَنْفِقُ طَلَّاقٌ فِيمَا بَيْنَهُمَا - وَلَوْ كَانَ بَعْدَ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ - مَا لَمْ تَرْفَعْهُ إِلَى الْإِمَامِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۲، ص ۳۴۹-۳۵۰).

۱. «عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ آتَى مِنْ امْرَأَتِهِ بَعْدَ مَا دَخَلَ بِهَا - فَقَالَ إِذَا مَضَتْ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَقَفَ - وَإِنْ كَانَ بَعْدَ جَمْعٍ فَإِنَّ فَاءَ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ - وَهِيَ امْرَأَتُهُ وَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ فَقَدْ عَزَمَ - وَقَالَ الْإِيْلَاءُ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِامْرَأَتِهِ - وَاللَّهُ لَا غِيْظَنَكَ وَ لَأَسْوَأَ تَكُ ثُمَّ يَهْجُرُهَا - وَلَا يَجَامِعُهَا حَتَّى تَمُضِيَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ فَقَدْ وَقَعَ الْإِيْلَاءُ - وَ يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَهُ عَلَى أَنْ يَنْيَءَ - أَوْ يُطَلِّقَ فَإِنْ فَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ - وَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كِتَابِهِ» (همان، ص ۳۵۰).

اقدام به تهدید، خشونت کلامی و رفتاری نماید و همسر خود را بلامتکلیف رها کند، یکی از مواضع دخالت حاکم در تنظیم روابط اجتماعی است. مقام معظم رهبری، در موضوع برخورد با خشونت‌های خانگی، پیشنهاد وضع قوانین سخت و مجازات را داده‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۱۰/۶)؛ لذا برخی از فقها برای رفع خشونت خانگی، پیشنهاد الزامات قانونی، مانند ممنوعیت زوج از تصرفات (اعم از مالی و غیرمالی) را می‌دهند.

۴-۳. گستره مداخله حاکم در نشوز زوج

گاهی زوجین در گرفتن حقوق خود حرص می‌ورزند و باعث ایجاد منازعه و اختلاف می‌شوند. قرآن در زمان بروز اختلاف میان زوجین، برای حفظ نظام خانواده و آسیب نرسیدن به فرزندان، توصیه‌های خاصی دارد. در نشوز زوج، قرآن به زوجه پیشنهاد می‌کند که می‌تواند برای جلب توجه شوهر، از برخی یا همه حقوق خود، مانند نفقه و حق قسم، چشم‌پوشی کند. در نشوز زوجه، زوج به صبر و موعظه و ریشه‌یابی علل نشوز زوجه توصیه می‌شود. البته زن مجبور به بخشش نیست و در صورت عدم تحمل نشوز زوج، زوجه می‌تواند با مراجعه به حاکم، حقوق خود را مطالبه و استیفا نماید.

در آیه ۱۲۸ سوره بقره، مسئله نشوز مرد آمده است. اگرچه قرآن به مداخله حاکم در موارد نشوز اشاره نکرده است، اما فقها بر اساس شکایت زوجه، بر مداخله حاکم تأکید دارند. تفسیر نمونه بر عفو و نگاهداشت خانواده تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۵۰). علامه طباطبایی نیز تأکید دارد که مردان حق ندارند در معاشرت با زنان خود ظلم کنند و آنان را مجبور به چشم‌پوشی از حقوقشان نمایند. برخی مفسران نیز بیان کرده‌اند که اگر زن، راضی به بخشش حقوق خود نشود، مرد موظف به ادای کامل حقوق اوست و در غیر این صورت باید او را طلاق دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۶۳). لذا اگر نشوز مرد، به ظلم علیه زوجه منجر شود، حکومت باید برای رفع ظلم مداخله کند.

از بین روایات نشوز زوج، روایت حلبی از امام صادق علیه السلام، روایت ابی حمزه از امام کاظم علیه السلام و روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام قابل ذکر است (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۵۰). برخی فقها به نشوز زوجه توجه کرده‌اند، اما در مورد نشوز زوج، با وجود نص صریح قرآن، کمتر سخن گفته‌اند (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۲۸). نظارت بر رفتار زوج ناشز، از وظایف حکومت است. شیخ طوسی بیان می‌کند که اگر

نشانه‌های نشوز از مرد ظاهر شود، حاکم باید زوجین را تحت نظر فرد عادل قرار دهد تا علل نشوز ریشه‌یابی شود (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۳۹). از مصادیق نشوز مرد می‌توان به ممنوعیت زن از حقوق واجب و مستحب، مانند نفقه و حق قسم، بداخلاقی و آزار اشاره کرد. مرحوم سبزواری به نقش حاکم و علل مداخله او در مسئله نشوز زوج پرداخته است و حق مطالبه زوجه را بر اساس قاعده فقهی توضیح می‌دهد. طبق این قاعده، هر صاحب حقی حق دارد حقوق خود را مطالبه کند و زوجه نیز حق مطالبه حقوقش را دارد. حاکم باید مرد را به معاشرت نیکو با همسر امر کند و از ظلم به او نهی نماید (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۲۲۴).

یکی از وظایف حاکم، اجرای تعزیرات است. اگر زوج پس از تذکرات حاکم، به امتناع خود ادامه دهد و همسرش را از حقوقش محروم کند، حاکم او را متناسب با شأن و شخصیت مجرم و بزه‌دیده تعزیر می‌نماید و نفقه همسرش را از اموال شوهر تأمین می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۵۷). در صورت لزوم، حاکم نفقه زوجه را حتی با فروش املاک زوج، تأمین خواهد کرد؛ زیرا ولایت حاکم در احقاق حق و ابطال باطل به همین معناست (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۰۶). بسیاری از فقها، نشوز مرد را در ترك حق قسم و عدم پرداخت نفقه خلاصه کرده‌اند و رجوع زوجه به حاکم شرع برای احقاق حقوق خود را جایز دانسته‌اند. اما به خشونت‌های کلامی و رفتاری زوج، توجه کمتری شده است. شهید ثانی، نشوز مرد را حرمت تکلیفی دانسته و دلیل آن را ترك معاشرت به معروف ذکر کرده است (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۶۳).

یکی از حقوق دانان، کم‌توجهی و سوءرفتار، عدم رعایت حسن معاشرت و ملاطفت، توهین به زن، ترك واجبات شرعی، مانند حق قسم و نفقه و برخوردهای فیزیکی، مانند ضرب و شتم را از مصادیق نشوز زوج برشمرده است (مرادخانی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵). مظفری درباره مصادیق نشوز زوج و ضمانت اجرایی آن می‌گوید: در خصوص ترك روابط جنسی، بداخلاقی و سوء مقاربت زوج، خلأ قانونی و ضمانت اجرایی وجود دارد (مظفری و حسینی، ۱۴۰۲، ص ۲۵۵-۲۵۶).

ابعاد مداخله حاکم در مراحل مختلف، مانند اثبات نشوز، شکایت زوجه، الزام زوج به رعایت حقوق زوجه، تعزیر زوج و انفاق به زوجه از اموال زوج، از موارد قابل بررسی در مواجهه با نشوز زوج است.

۴-۴. گستره مداخله حاکم در قذف و لعان

زوجین باید بر اساس اصل معاشرت به معروف، با یکدیگر با احترام و عفت سخن بگویند. در صورتی که زوج با خشونت کلامی، عفت و حیای زن را خدشه دار کند، سیاست جنایی شارع، مجازات بدنی را برای او در نظر گرفته است. هرچند زوج با خشونت کلامی، همسرش را مورد تهمت قرار دهد، اما شارع، مجازات سخت تری را وضع کرده است؛ زیرا ترور شخصیت و آبروریزی، برای زوجه و فرزندان بسیار آسیب‌آور است. در آیات ۴، ۵ و ۲۳ سوره مبارکه نور، به حد و مجازات قذف زنان عفیف اشاره شده است و آیات ۶ تا ۱۰ به قذف زوج علیه زوجه اختصاص دارد. روایات محمد بن مسلم از امام باقر (ع) و ابی بصیر از امام صادق (ع) نیز در این باره موجود است (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۹۵-۱۹۶).

بیان صفات محصنه، مؤمنه و غافله، دلالت بر عظمت معصیت دارد؛ زیرا وجود یکی از این صفات کافی است تا نسبت زنا را ظلم، و نسبت دهنده را ظالم، و مقذوف را بی‌گناه و مظلوم جلوه دهند تا چه رسد که همه این صفات با هم در يك زن جمع باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۳۴). اجرای حد قذف و مراسم لعان، از وظایف حاکم و با حضور حاکم است. البته بنا به نص صریح قرآن، در حال لعان، نقش مصلحانه حاکم باز هم دیده می‌شود؛ زیرا خداوند از حاکم می‌خواهد در میان قسم‌ها زوجین را موعظه کند (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۴۰۰).

اگر زنی عفیفه به زنا متهم شود، در برخورد اجتماع با او تأثیرگذار است و آسیب‌های شخصی، خانوادگی و اجتماعی برای او و خانواده‌اش به دنبال دارد به همین دلیل شارع، مجازات سخت بدنی را در این جرم وضع کرده است. حال اگر زوجه توسط زوج، متهم به اتهامات آبرویی شود، آثار منفی آن بر سرنوشت زوجه و فرزندان سنگین‌تر خواهد بود.

در عبارات فقها با استناد به آیات صریح قرآن، به ذکر مجازات هشتاد تازیانه اکتفا شده و به علت وضوح نقش حاکم که مجری حدود است، از حاکم سخن گفته نشده است. شیخ صدوق با استناد بر روایتی از استبصار (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۳۲) می‌گوید که زوجه مقذوف، حق عفو، احترام و اکرام شوهرش را ندارد (قمی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۲). می‌توان گفت وقتی که زوجه به حاکم مراجعه و از قذف همسرش شکایت کند و حاکم حکم مجازات را صادر کند، چه بسا عفو زوجه بعد از صدور حکم باعث تکرار خشونت کلامی علیه زوجه شود.

سیاست شارع در حوزه جرائمی که نوعی خشونت کلامی است و به آبروی زوجه و حیا و عفت زنان مربوط می‌شود، مبتنی بر وضع مجازات سخت بدنی است. البته از وظایف حکومت، تربیت عمومی جامعه و تشویق به کسب فضایل و دوری از رذایل اخلاقی است. یکی از این رذایل، تهمت و افتراء جنسی علیه زوجه است که آثار سوء زیادی را به دنبال دارد و چه بسا باعث انحراف زوجه گردد.

۴-۵. مشروعیت و ضرورت مداخله حکومت اسلامی

یافته‌ها نشان می‌دهد که مداخله حکومت اسلامی در مواجهه با خشونت خانگی علیه زوجه، از منظر فقه امامیه مشروعیت دارد. قواعدی مانند «ولایت حاکم بر ممتنع» و «التعزیر بما یراه الحاكم»، ابزارهای کلیدی برای مداخله حاکم در راستای احقاق حقوق زوجه و حفظ عدالت در خانواده محسوب می‌شوند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۰۷ و سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۳۰۴). این مشروعیت، به‌ویژه در شرایطی که اقدامات نصیحت‌آمیز یا مشفقانه مؤثر واقع نشوند، بیشتر اهمیت می‌یابد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰۲).

۴-۶. مصادیق مداخله حکومتی

تحلیل متون فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که مداخلات حکومت اسلامی، شامل مواردی نظیر شقاق، ایلاء، ظهار، نشوز، قذف، لعان و معطل گذاشتن زوجه است. در این موارد، شارع مقدس ابزارهای مختلفی ازجمله نصیحت، اصلاح، نظارت، اعمال تعزیرات متناسب با شأن خانواده، و طلاق حکومتی را پیش‌بینی کرده است (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۶۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۶).

۴-۷. قواعد فقهی راهبردی

قواعدی مانند «التعزیر بما یراه الحاكم» امکان تعیین مجازات‌های تعزیری برای زوج متخلف را فراهم می‌کند. این مجازات‌ها متناسب با نوع خشونت، ماهیت خانواده و میزان آسیب واردشده طراحی می‌شوند. از سوی دیگر، قاعده «ولایت حاکم بر ممتنع» به حاکمیت اجازه می‌دهد زوج را به رعایت حقوق زوجه وادار کند (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۳۰۴ و حسینی، ۱۳۷۶، ص ۸۳).

۴-۸. حفظ نظام خانواده و عدالت اجتماعی

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، تأکید فقه امامیه بر این است که مداخله حکومت، نه تنها برای رفع خشونت؛ بلکه به عنوان ابزاری برای حفظ کیان خانواده و تحقق عدالت اجتماعی

در نظر گرفته می‌شود. این هدف، با اقدامات نظارتی، حمایتی و پیشگیرانه‌ای که شارع مقدس تعیین کرده، قابل تحقق است (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۱۸ و سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷).

۴-۹. ارتباط یافته‌ها با جامعه معاصر

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های فقه امامیه به خوبی با نیازهای اجتماعی امروز تطبیق پذیر است. این قواعد می‌توانند مبنای تدوین قوانین حمایتی و سیاست‌های جنایی کارآمد برای مقابله با خشونت خانگی و حمایت از حقوق زوجه قرار گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۶).

۴-۱۰. بررسی موارد شقاق، ایلاء، نشوز، قذف و لعان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در موارد شقاق، ایلاء، نشوز، قذف و لعان، مداخله حاکم شرع برای تنظیم روابط زوجین و رفع خشونت ضروری است. در این موارد، حکومت می‌تواند با اقدامات ناصحانه، مشفقانه، مصلحانه، نظارتی و آموزش محور، به رفع خشونت و نگهداشت نظام خانواده کمک کند (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲).

۴-۱۱. اقدامات ناصحانه و مشفقانه

بررسی منابع فقهی و روایات اسلامی نشان می‌دهد که شارع با تجویز انواع اقدامات ناصحانه و مشفقانه توسط حاکم، سعی در رفع خشونت و اصلاح رفتار زوج دارد. این اقدامات شامل نصیحت، ارشاد و مشاوره برای بهبود روابط زوجین و جلوگیری از تکرار خشونت است.

۴-۱۲. اقدامات مصلحانه و نظارتی

در مواردی که اقدامات ناصحانه و مشفقانه مؤثر واقع نشود، حاکم می‌تواند اقدامات مصلحانه و نظارتی را به کار بگیرد. این اقدامات، شامل تعیین ناظر و مشاور خانواده، برگزاری جلسات مشاوره و ارزیابی وضعیت خانواده است تا به بهبود روابط زوجین و جلوگیری از خشونت کمک کند (امیدی نیاول، ۱۴۰۰، ص ۲۲۵).

۴-۱۲. مراتب مداخله

مداخله حکومت، دارای مراتبی است که از اقدامات ناصحانه و مشفقانه آغاز می‌شود و در صورت عدم تأثیر، به اقدامات تنبیهی و حتی طلاق حکومتی می‌رسد (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۳۵). در این صورت، حفظ نظام خانواده، تأمین عدالت و حمایت از حقوق زوجه، از اهداف اصلی مداخله حکومت در موارد خشونت خانگی است (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷). در مواردی که ادامه زندگی مشترک

برای زن مضر باشد و امکان اصلاح رفتار همسر آزردهنده وجود نداشته باشد، حاکم می‌تواند به درخواست زن، حکم به طلاق دهد (طلاق حاکمیتی).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در بخش‌های پیشین به ترتیب به بیان مسئله، اهمیت موضوع، روش‌شناسی پژوهش و یافته‌های پژوهش پرداختیم. در این بخش، باتوجه به یافته‌های حاصل از پژوهش، به بحث و تحلیل عمیق‌تر یافته‌ها، مقایسه آنها با مطالعات پیشین و ارائه راهکارها و پیشنهادات خواهیم پرداخت.

۵-۱. بحث پیرامون یافته‌ها

پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی فقهی سیاست جنایی اسلام در مداخله حکومت اسلامی در خشونت خانگی علیه زوجه، نشان داد که این مسئله در فقه امامیه جایگاه ویژه‌ای دارد و شارع مقدس با پیش‌بینی قواعد و ابزارهای گوناگون، به حکومت اسلامی اجازه داده است تا در این حوزه وارد عمل شود. **الف) ظرفیت‌های فقهی و دینی رفع خشونت:** بررسی منابع فقهی و روایات اسلامی نشان می‌دهد که شارع با تجویز انواع اقدامات ناصحانه، مشفقانه، مصلحانه، نظارتی و آموزش محور توسط حاکم، سعی در رفع خشونت و نگهداشت نظام خانواده دارد. این اقدامات، شامل نصیحت، ارشاد و مشاوره برای بهبود روابط زوجین و جلوگیری از تکرار خشونت است (جاوید و مهاجری، ۱۳۹۷، ص ۱۹). در مواردی که این اقدامات مؤثر واقع نشود، حاکم می‌تواند از مجازات‌های تعزیری متناسب با خانواده استفاده کند (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۸۷). درنهایت، حاکم شرع می‌تواند از ظرفیت طلاق حکومتی برای رفع خشونت و احقاق حقوق زوجه بهره‌برداری کند (امیدی نیاول، ۱۴۰۰، ص ۲۱۹).

ب) مشروعیت مداخله حکومتی: یافته‌ها نشان داد که قواعدی همچون «ولایت حاکم بر ممتنع» و «التعزیر بما یراه الحاکم» ابزارهایی مؤثر و مشروع برای مداخله حاکمیت اسلامی در مقابله با خشونت خانگی است. این قواعد، علاوه بر رفع ظلم، در تحکیم بنیان خانواده نیز نقش کلیدی ایفا می‌کنند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۰۷ و سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۳۰۴).

ج) ابزارها و رویکردهای حکومتی: مداخلات حکومت اسلامی، شامل اقداماتی مانند نصیحت، اصلاح، نظارت، تعزیر و درنهایت، طلاق حکومتی است. این ابزارها به صورت تدریجی و متناسب با شرایط اعمال می‌شوند و همگی بر حفظ حقوق زوجه و کیان خانواده تأکید دارند (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۶۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۶).

د) ارتباط با اهداف شریعت: مداخله حکومت در راستای تحقق اهداف کلان شریعت اسلامی، نظیر برقراری عدالت، حفظ نظام خانواده و پیشگیری از خشونت تعریف شده است. این اهداف با استفاده از ابزارهای تعزیری و حمایتی، قابل دستیابی است (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۱۸ و محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰۲).

۲-۵. نتیجه‌گیری کلی

این پژوهش با بررسی مبانی فقهی سیاست جنایی اسلام در خصوص گستره مداخله حکومت در خشونت خانگی علیه زوجه، به نتایج مهمی دست یافته است، از جمله:

الف) نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مداخله حکومت اسلامی در خشونت خانگی علیه زوجه، از منظر فقه امامیه، کاملاً مشروع و در مواردی ضروری است. شارع مقدس، ابزارهای مختلفی برای مداخله حکومتی پیش‌بینی کرده است که از نصیحت و اصلاح آغاز، و در صورت تداوم خشونت، به تعزیر و طلاق حکومتی ختم می‌شود.

ب) در موارد شقاق، ظهار، ایلاء و نشوز زوج، شارع مقدس، احکام خاصی را برای مداخله حاکم وضع کرده است. در مورد شقاق، تشکیل نهاد حکمیت از وظایف حکومت شمرده شده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۳۹). این احکام، نشان‌دهنده سیاست مترقی اسلام در حفظ نظام خانواده و حمایت از حقوق زوجه است.

ج) این مداخله، نه تنها ابزاری برای مقابله با خشونت؛ بلکه راهکاری برای حفظ بنیان خانواده و تحقق عدالت اجتماعی است. در نتیجه، فقه امامیه ظرفیت‌های بالایی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های نوظهور در حوزه خانواده دارد و می‌تواند مبنایی قوی برای تدوین سیاست‌های جنایی کارآمد در نظام حقوقی معاصر فراهم کند.

د) یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مداخله حکومت اسلامی در خشونت خانگی علیه زوجه بر مبنای مبانی فقهی و سیاست‌های جنایی اسلام، ضروری است. این مداخله، در مواردی همچون شقاق، ایلاء، نشوز، قذف و لعان، به عنوان موضوعات کلیدی مطرح شده است. قرآن کریم و روایات اسلامی بر اهمیت حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از خشونت تأکید داشته و وظایف حکومت را در این زمینه مشخص کرده‌اند (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲ و علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲).

هـ) بررسی منابع فقهی و روایات اسلامی نشان می‌دهد که شارع با تجویز انواع اقدامات

ناصحانه، مشفقانه، مصلحانه، نظارتی و آموزش محور توسط حاکم، سعی در رفع خشونت و نگهداشت نظام خانواده دارد. این اقدامات، شامل نصیحت، ارشاد و مشاوره برای بهبود روابط زوجین و جلوگیری از تکرار خشونت است (جاوید و مهاجری، ۱۳۹۷، ص ۱۹). در مواردی که این اقدامات مؤثر واقع نشود، حاکم می‌تواند از مجازات‌های تعزیری متناسب با خانواده استفاده کند (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۸۷). درنهایت، حاکم شرع می‌تواند از ظرفیت طلاق حکومتی برای رفع خشونت و احقاق حقوق زوجه بهره‌برداری کند (امیدی نیاول، ۱۴۰۰، ص ۲۱۹).

د) مداخله حکومت اسلامی در خشونت خانگی علیه زوجه بر مبنای مبانی فقهی امامیه و سیاست‌های جنایی اسلام، ضروری است. این مداخله می‌تواند از طریق اقدامات ناصحانه، مشفقانه، مصلحانه، نظارتی، آموزش محور و مجازات‌های تعزیری صورت گیرد. همچنین استفاده از ظرفیت طلاق حکومتی نیز به عنوان یک راهکار فقهی برای رفع خشونت و حمایت از حقوق زوجه مطرح است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مداخله حکومت نه تنها ابزاری برای مقابله با خشونت؛ بلکه راهکاری برای حفاظت از نهاد خانواده و تضمین عدالت اجتماعی در چهارچوب آموزه‌های اسلامی است. امید است که با اجرای راهکارهای پیشنهادی، بتوان به بهبود وضعیت خانواده‌ها و کاهش خشونت خانگی کمک کرد (Tolman&Diamond, 2001, p25).

۳-۵. ارائه راهکارها و پیشنهادات

- الف) تقویت آموزش و مشاوره: ایجاد مراکز مشاوره و آموزشی برای زوجین با هدف ترویج فرهنگ همدلی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و جلوگیری از بروز خشونت خانگی (خاک، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۵).
- ب) تدوین قوانین حمایتی: ازجمله: تدوین و اجرای قوانین حمایتی مناسب برای مقابله با خشونت خانگی و حمایت از حقوق زوجه بر مبنای مبانی فقهی و دستورات اسلامی (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲). تدوین قوانین مبتنی بر قواعد فقهی مانند «ولایت حاکم بر ممتنع» و «التعزیر بما یراه الحاکم» برای مقابله با خشونت خانگی (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۳۰۴).
- ج) تأسیس نهادهای مشورتی: ایجاد نهادهای حمایتی برای رسیدگی به شکایات خشونت خانگی و ارائه مشاوره‌های حقوقی و روان‌شناختی.
- د) آموزش عمومی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای آگاه‌سازی جامعه از حقوق و وظایف شرعی و قانونی زوجین (حسینی، ۱۳۷۶، ص ۸۳).

هـ) **حمایت اقتصادی:** ارائه کمک‌های اقتصادی به خانواده‌های آسیب‌دیده از خشونت خانگی برای بهبود وضعیت زندگی و کاهش فشارهای مالی (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۸۷).

و) **مقایسه این یافته‌ها با مطالعات پیشین:** با مقایسه این یافته‌ها با مطالعات پیشین، می‌توان به این نتیجه رسید که فقه اسلامی دارای ظرفیت بالایی برای ارائه راهکارهای جامع و کارآمد برای مقابله با خشونت خانگی است. با این حال، اجرای این راهکارها نیازمند تفسیرهای دقیق و به‌روز از آموزه‌های دینی و همچنین تدوین قوانین و سیاست‌های مناسب است.



فهرست منابع

الف) فارسی

۱. امیدی نیاول، مجید (۱۴۰۰ش)، «بررسی حقوقی حمایت از خشونت خانگی و راهکارهای جلوگیری از آن از منظر حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی»، نشریه مطالعات حقوق، ش ۱۸، ص ۳۴۳-۳۷۰.
۲. پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۹ش)، «راهکارهای اساسی حل مسئله نشوز و شقاق زوجین در قرآن و حدیث»، نشریه مشکوه، ش ۱۰۷، ص ۶۶-۸۱.
۳. پورعبدالله، کبری و ملک‌افضلی، محسن (۱۴۰۱ش)، «ماهیت حکمیت و ضمانت اجرای تصمیمات داوری در دعاوی خانوادگی»، نشریه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ش ۴۲، ص ۵۷-۶۱.
۴. جاوید، فاطمه و مهاجری، سعید (۱۳۹۷ش)، حقوق خانواده در اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. حسینی، سیدمصطفی (۱۳۷۶ش)، تحلیل روابط خانوادگی در فقه امامیه، قم: انتشارات جامعه المصطفی.
۶. حسینی، محمد (۱۳۹۶ش)، خشونت خانگی و حقوق خانواده در اسلام، تهران: انتشارات پژوهش‌های اسلامی.
۷. سالاری‌فر، مریم (۱۳۸۹ش)، روان‌شناسی خشونت خانگی، تهران: انتشارات رشد.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. عسکری، الناز (۱۳۹۷ش)، «بررسی سیاست جنایی قضایی ایران در زمینه زنان بزه‌دیده خشونت خانگی»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، ش ۱، ص ۲۳۶-۲۴۶.
۱۰. علاسوند، فریبا (۱۳۹۲ش)، «مداخله حکومت اسلامی درباره حقوق خانواده (ظرفیت‌ها و ضرورت‌گاه‌ها)»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، ش ۶۲، ص ۶۵-۱۰۴.
۱۱. قادری، سلام (۱۳۹۸ش)، «حکمیت بین زوجین در فقه اسلامی از رهگذر آیه ۳۵ سوره نساء»، همایش پژوهش‌های دینی، دوره دوم، ص ۱۱۷۸-۱۱۸۶.
۱۲. مرادخانی، احمد (۱۳۹۴ش)، «احکام خانواده و نشوز مرد در کتاب التفسیر مسند امام رضا (ع)»، نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۳۹، ص ۹۹-۱۱۶.
۱۳. مظفری، خدیجه و حسینی، زینب (۱۴۰۰ش)، «نشوز زوج و آثار آن در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۱۵، ص ۲۴۱-۲۶۴.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

ب) عربی

۱. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۲. حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق)، تحریر الوسیلة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۴. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم: مؤسسه المنار.
۵. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی الفقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

۶. _____ (۱۳۹۰ق)، الاستبصار، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
۷. _____ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۸. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله؛ نکاح، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۰. قمی، محمد بن بابویه (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۱۱. کاظمی، جواد بن سعید (۱۳۶۵ش)، مسالك الافهام الي آیات القرآن، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۱۲. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۳. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دار الكتب الاسلامیه.
۱۴. مقدس اردبیلی، احمد (۱۳۷۸ش)، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۱۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

ج) انگلیسی

1. Tolman, R. & Diamond, G. (2001). *Domestic Violence and Islamic Law*. New York: Oxford University Press.

وبگاه

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir>

